

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه اصفهان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

مفهوم «وطن» در شعر عصر مشروطه

استاد راهنما :

دکتر محسن محمدی فشارکی

استاد مشاور :

دکتر طاهره خوشحال دستجردی

پژوهشگر :

مینو بیطرفان

مهر ماه 1390

با احترام به

«پدر بزرگوار و مادر مهربانم»:

پیشکش به شهیدانی که

جان و مال خود را

در راه «وطن» فدا کردند

سپاسگزاری:

آفرین جان آفرین و جان جان
آنکه هست او آشکارا و نهان
در مقام لایزالی آشکار
در درون عاشقان بی قرار
آسمان یک پرده از اسرار او
وین زمین یک نقطه از پرگار او

پس از حمد و ستایش پروردگار متعال، بر خود فرض می دانم از زحمات عالمانه و دلسوزانه استاد محترم راهنما، جناب آقای دکتر محسن محمدی فشارکی و استاد محترم مشاور، سرکار خانم دکتر طاهره خوشحال دستجردی نهایت سپاسگزاری و قدردانی را داشته باشم. همچنین از همکاری و همیاری مهربانانه و صمیمانه همسر که بی وجودش این جستار به انجام نمی رسید، بی نهایت سپاسگزارم.

چکیده:

بی‌گمان در روزگار بیداری ملت‌ها ادبیات از منظر معرفت‌های انسانی، از چشم اندازی بلند و تأثیرگذار به جریان هستی و تلطیف روح و احساسات بشری می‌نگرد. این نگرش در شکوفا شدن آرزوها، رنج‌ها و شادی‌های آرمان‌گرایانه، فضای خاصی را در قلمرو کلام، پیش روی انسان امروز می‌گذارد. در عصر مشروطه و در آستانه‌ی جنبش‌های مردمی، کارکرد و وظیفه ادبیات عبور از عرصه‌های سنتی و نزدیک شدن به سمت فضاهای نوزایی و تجدّد طلبی است. از برجسته‌ترین و پربسامدترین مفاهیم و مضامین عاطفی شعر عصر مشروطه که حوزه گسترده‌ای از تأملات شاعرانه را برانگیخته، مسأله «وطن» است که جلوه‌های متعدد و متنوع آن در شعر شاعرانی همچون سید اشرف‌الدین حسینی (نسیم شمال)، ایرج میرزا، علی‌اکبر دهخدا، عارف قزوینی، ملک الشعراء بهار، ابوالقاسم لاهوتی، فرخی یزدی، میرزاده عشقی و حتی شاعران خارج از مرز ایران چون اقبال لاهوری متبلور شده است. هر یک از این شاعران بسته به فضای سیاسی - اجتماعی جامعه و همچنین درک و دریافت شخصی و دامنه جهانبینی خود، به تحلیل و تبیین مفهوم وطن پرداخته‌اند. آنچه در باب «وطن» و مسایل پیرامون آن در این دوره به چشم می‌خورد با دوره‌های پیشین شعر فارسی متفاوت است. در حقیقت مفهوم «وطن» به شکل امروزی آن، تحت تأثیر ملل اروپایی و با پیدایش مفهوم «هویت» و «فردیت» در پی انقلاب مشروطه وارد زبان شعر شاعران این دوره شده است و هر یک از این شاعران به تناسب دانش و بیش و مناسبات سیاسی - اجتماعی - تاریخی پیرامون خود برداشتی از آن داشته‌اند و آن را در اشعارشان به تصویر کشیده‌اند. در این پژوهش برآنیم تا بازتاب «وطن» و جلوه‌های گوناگون آن را در شعر شاعران مشروطه نشان دهیم و جداگانه به تبیین و تحلیل هر یک بپردازیم. بدین ترتیب از یک سو تفاوت‌ها و شباهت‌های وطنیه‌های هر شاعر را در مقایسه با دیگر شاعران نمایان ساخته‌ایم و از سویی دیگر توانسته‌ایم درک و دریافت دقیق‌تری نسبت به مفهوم «وطن» ارائه دهیم.

واژه‌های کلیدی: وطن، وطنیه، انقلاب مشروطه، شاعران عصر مشروطه.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
هـ	پیشگفتار

فصل اول: کلیات تحقیق

1-1-1	بیان مسأله	1
2-1	اهداف تحقیق	2
3-1	ضرورت انجام تحقیق	2
4-1	پیشینه تحقیق	2
5-1	پرسش ها	3
6-1	فرضیه ها	3
7-1	نوع تحقیق	3
8-1	روش تحقیق	4

فصل دوم: «وطن» و بازتاب آن در شعر و ادب فارسی

1-2	تحلیل مفهوم «وطن» از قدیم ترین ایام تا عصر مشروطه	5
2-2	تحلیل مفهوم «وطن» در عصر مشروطه	10

فصل سوم: تحلیل مفهوم «وطن» در شعر شاعران عصر مشروطه

1-3	اشرف الدین حسینی (نسیم شمال)	17
	تحلیل «وطن» در شعر نسیم شمال	19
	نمودار وطن آرمانی نسیم شمال	22
1-1-3	انتقادات سیاسی و اجتماعی	23
1-1-1-3	انتقاد از ماهیت مجلس و نمایندگان آن (وزیران و وکیلان)	23
2-1-1-3	انتقاد از بیگانگان	25
3-1-1-3	انتقاد از مردم	26
4-1-1-3	انتقاد از اوضاع نابسامان کشور	27
	نمودار انتقاد از اوضاع نابسامان کشور	29
2-1-3	انتقادات اقتصادی	30
3-1-3	انتقادات ملی و مذهبی (ایرانی و اسلامی)	31
4-1-3	انتقادات اخلاقی و فرهنگی	32
2-3	ایرج میرزا	35
	تحلیل «وطن» در شعر ایرج میرزا	36

صفحه	عنوان
39	نمودار وطن آرمانی ایرج میرزا
40	1-2-3- انتقادات سیاسی
41	2-2-3- انتقادات اجتماعی و اقتصادی
42	3-2-3- انتقادات دینی و مذهبی
43	4-2-3- انتقادات اخلاقی و فرهنگی
45	3-3 - علی اکبر دهخدا
46	تحلیل «وطن» در شعر علی اکبر دهخدا
49	4-3- عارف قزوینی
50	تحلیل «وطن» در شعر عارف قزوینی
55	نمودار وطن آرمانی عارف قزوینی
56	1-4-3- انتقادات سیاسی و اجتماعی
56	1-1-4-3- انتقاد از مردم
57	2-1-4-3- انتقاد از سران حکومت
63	5-3 - محمدتقی بهار
64	تحلیل «وطن» در شعر ملک الشعراء بهار
69	نمودار وطن آرمانی ملک الشعراء بهار
70	1-5-3- انتقادات سیاسی و اجتماعی
74	2-5-3- انتقادات ملی و مذهبی (ایرانی و اسلامی)
77	3-5-3- انتقادات تاریخی و فرهنگی
82	6-3- ابوالقاسم لاهوتی
83	تحلیل «وطن» در شعر ابوالقاسم لاهوتی
87	نمودار وطن آرمانی ابوالقاسم لاهوتی
88	1-6-3- آرمان خواهی انقلابی
88	1-1-6-3- نقد روابط مالک و زارع (کارگزار و کارگر، دهقان و رنجبر)
90	2-1-6-3- اتحاد همگانی و مبارزه با بیدادگری
92	3-1-6-3- ضرورت توجه به ماهیت انقلاب، آزادی، صلح، شورا، شرق
93	2-6-3- احساسات نوستالوژیک
97	7-3 - فرخی یزدی
98	تحلیل «وطن» در شعر فرخی یزدی
100	نمودار وطن آرمانی فرخی یزدی
101	1-7-3- وطن قانون محور

102.....	3-7-1-1-1- انتقادات سیاسی و اجتماعی.....
103.....	3-7-1-1-1- انتقاد از دولت و سران وابسته به حکومت.....
105.....	3-7-1-1-2- انتقاد از سازمان های دولتی (مجلس و عدلیه).....
107.....	3-7-1-1-3- انتقاد از بیگانگان.....
108.....	3-7-1-1-4- انتقاد از فقدان آزادی.....
109.....	3-7-1-1-5- انتقاد از مردم.....
110.....	3-7-1-2- انتقادات اقتصادی.....
111.....	3-7-2- وطن ایران محور.....
114.....	3-7-3- وطن ایران - اسلام محور.....
117.....	3-8- میرزاده عشقی.....
118.....	تحلیل «وطن» در شعر میرزاده عشقی.....
122.....	نمودار وطن آرمانی میرزاده عشقی.....
123.....	3-8-1- انتقادات سیاسی و اجتماعی.....
123.....	3-8-1-1- انتقاد از اوضاع نابسامان کشور.....
125.....	3-8-1-2- انتقاد از بیگانگان و عوامل وابسته به آنان.....
128.....	3-9- اقبال لاهوری.....
129.....	تحلیل «وطن» در شعر اقبال لاهوری.....

فصل چهارم: نتیجه گیری و پیشنهاد

134.....	4-1- نتیجه گیری.....
137.....	4-2- پیشنهاد.....

فصل پنجم: یادداشت ها

138.....	اشرف الدین حسینی (نسیم شمال).....
148.....	ایرج میرزا.....
152.....	علی اکبر دهخدا.....
153.....	عارف قزوینی.....
157.....	محمدتقی بهار.....
163.....	ابوالقاسم لاهوتی.....
169.....	فرخی یزدی.....
178.....	میرزاده عشقی.....
184.....	فهرست منابع و مآخذ.....

فهرست نمودارها

صفحه	عنوان
22.....	نمودار وطن آرمانی نسیم شمال
29.....	نمودار انتقاد از اوضاع نابسامان کشور نسیم شمال
39.....	نمودار وطن آرمانی ایرج میرزا
55.....	نمودار وطن آرمانی عارف قزوینی
69.....	نمودار وطن آرمانی ملک الشعراء بهار
87.....	نمودار وطن آرمانی ابوالقاسم لاهوتی
100.....	نمودار وطن آرمانی فرخی یزدی
122.....	نمودار وطن آرمانی میرزاده عشقی

زین سفر گر به سلامت به وطن باز رسم
دگر آنجا که روم عاقل و فرزانه روم
تا بگویم که چه کشف شد از این سیر و سلوک
بر در می‌کده با بریط و پی‌مانه روم
(حافظ شیرازی، 1386: 362)

پیشگفتار

ادبیات یکی از زیباترین و ماندنی‌ترین آثار ذهنی و ذوقی انسانهاست که در طول تاریخ، فرهنگ و تمدن بشری در سرزمین‌های گوناگون پدید آمده و سالیان سال به حیات پر برگ و بار خود ادامه داده است. این درخت کهنسال در تاریخ و فرهنگ مردم ایران زمین نیز ریشه دوانیده و به مرور زمان گسترده شده است. از برجسته‌ترین مفاهیمی که همواره در گستره ادبیات ایران زمین بازتاب یافته مفهوم «وطن» و برداشت‌های گوناگونی است که هر یک از شاعران و نویسندگان و ادیبان و هنرمندان بسته به دامنه جهان فکری و عاطفی خود از آن داشته‌اند. شاید بتوان گفت که اصل مفهوم «وطن» و عشق و علاقه به آن، ریشه در ذات و سرشت انسانی دارد که گاه بر اثر عوامل بیرونی برانگیخته می‌شود و به حالت‌ها و نوع‌های گوناگون بازتاب می‌یابد. هویت هر انسان معمولاً از طریق تاریخ، فرهنگ، هنر، ادبیات، مذهب، زبان، طبقه اجتماعی، نژاد، علایق و دیگر لایه‌های مختلف انسانی در جایی که به آن وطن، میهن، زادبوم و از این قبیل اطلاق می‌شود، شکل می‌گیرد. در گذشته تاریخ ایران، گاه مردم یک شهر یا روستا بر اساس پیوستگی منافع مشترک در برابر شهر یا روستایی دیگر احساس نوعی مقابله داشتند. وطن به معنای محدود آن یعنی شهر یا ولایتی که زادگاه و مأوای انسان است. محدوده وطن هر شخصی بسته به دیدگاه و درک او از جهان درونی و بیرونی پیرامون خویش شکل می‌گیرد و چستی و چگونگی آن متفاوت است. شاید بتوان گفت به ازای تعداد انسان‌ها وطن هر شخص نیز تعریفی مشخص و خاص پیدا می‌کند. وطن برای عده‌ای محدود به مرزهای جغرافیایی و میزان مساحت و بزرگی و کوچکی آن است. گروهی وطن مشترک خود را در قومیت یا نژاد خاص می‌دانند. بعضی وطن را بر اساس دیدگاه فقهی و مذهبی تعریف کرده‌اند و بعضی دیگر وطن را در ذهن و ضمیر خود مطابق با اندیشه و تخیل فردی جستجو می‌کنند. دسته‌ای برای آن مرزهای سیاسی و اقتصادی تعیین می‌کنند و برای برخی همه دنیا وطن است. به همین ترتیب با در نظر گرفتن مقوله‌های دیگر می‌توان تعاریف گوناگونی از «وطن» ارائه داد. «آنچه مسلم است این است که مفهوم وطن و وطن پرستی در ادوار مختلف تاریخ بشر و در فرهنگ‌های متفاوت انسانی، وضع و حال یکسانی ندارد. در بعضی

از جوامع شکل و مفهوم خاصی داشته و در برخی دیگر شکل و مفهوم دیگر. حتی در یک جامعه نیز در ادوار مختلف ممکن است مفهوم وطن، به تناسب هیأت اجتماعی و ساختمان حکومتی و بنیادهای اقتصادی و سیاسی، تغییر کند.» (شفیعی کدکنی، 1352: 1)

کار اصلی در این جستار تحلیل مفهوم «وطن» در شعر شاعران برجسته عصر مشروطه است. پیش از پرداختن به بحث اصلی ذکر چند نکته ضروری است:

1. در تحلیل و تبیین مفاهیم مربوط به وطن در شعر هر یک از شاعران مشروطه سعی کرده ایم تا تنها از یک زاویه به موضوع نگریم و بسته به نگرش هر شاعر و میزان بسامد او از وطن، تحلیل و طبقه بندی مستقلی ارائه دهیم.

2. اسامی شاعران را بر اساس رده بندی تاریخی ذکر کرده ایم تا از این طریق بتوانیم شدت و حدت نگرش به موضوع در نقد تحولات تاریخی را هم به نمایش بگذاریم.

3. به دلیل فراوانی شواهد شعری در قسمت انتقادات، به ناچار آنها را در بخش یادداشت ها نقل کرده ایم.

4. شاعرانی چون شبیانی، ادیب پیشاوری، ادیب نیشابوری، ادیب الممالک فراهانی اگر چه از چهره های دوره مشروطیت به شمار می روند و اشاراتی درباره وطن داشته اند، اما به علت نوع غالب جهان بینی سنتی شان به آنها نپرداختیم.

5. در توضیح زندگی نامه ها علاوه بر مقدمه های دیوان هر یک از شعرا، از فرهنگنامه ها، دایره المعارف ها و زندگی نامه ها بهره برده ایم.

6. سعی کرده ایم تا برای اکثر شاعران مورد پژوهش نموداری با عنوان «نمودار وطن آرمانی» ترسیم کنیم تا به صورت تصویری هم تفهیم مطلب را ادا کرده باشیم.

7. برخی عنوان های این نوشتار (همچون عنوان «زنگ ها و صداها») را از کتاب «ادوار شعر فارسی» دکتر محمد-رضا شفیع کدکنی اقتباس کرده ایم.

فصل اول

کلیات تحقیق

1-1 بیان مسأله

تحلیل مفاهیم و مضامین شعر مشروطه از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ چرا که از یک سو این مفاهیم و مضامین در ارتباط با مفهوم هزاران ساله پیش از خود تغییر پیدا کرده‌اند؛ مانند مفهوم «آزادی» که در عصر مشروطه مترادف با «دموکراسی»¹ غربی است و یا «وطن» که وسعت معنایی ژرف‌تر و گسترده‌تری پیدا کرده است و از سویی دیگر ریشه بسیاری از تحولات شعر معاصر را می‌توان در شعر عصر مشروطه جستجو کرد. در این راستا یکی از درونمایه‌ها و صداهای پر بسامد و اصلی شعر مشروطه، مفهوم «وطن» است. این درونمایه را می‌توان در شعر شاعرانی همچون ایرج میرزا، میرزاده عشقی، عارف قزوینی، فرخی یزدی، سید اشرف الدین حسینی (نسیم شمال)، علی اکبر دهخدا، ابوالقاسم لاهوتی، ملک الشعراء بهار و حتی شاعران خارج از مرز ایران چون اقبال لاهوری، تحلیل و تفسیر کرد.

¹ .democracy

2-1 اهداف تحقیق

مهمترین اهداف تحقیق عبارتند از:

- 1- نمایش نگرش واقعی شاعران عصر مشروطه نسبت به مفهوم «وطن».
- 2- مقایسه دیدگاه های هر یک از شاعران عصر مشروطه درباره مفهوم «وطن».
- 3- کمک به پژوهشگران و علاقه مندان تاریخ عصر مشروطه.

3-1 ضرورت انجام تحقیق

با مروری بر دیوان شاعران عصر مشروطه متوجه خواهیم شد که هر یک از آنها چشم انداز متفاوتی نسبت به مفهوم «وطن» داشته اند و آن را در شکل خاصی به کار برده اند؛ به عنوان مثال بینش ملک الشعراء بهار، در ارتباط با «وطن» بینشی آگاهانه و زیبایی شناسانه همراه با نگرشی ایرانی و اسلامی است. میرزاده عشقی نگرشی تعصب مدارانه، عرب ستیزانه و فاشیسم گونه نسبت به «وطن» دارد. چشم انداز اقبال لاهوری به «وطن» در خارج از مرزهای ایران نیز، چشم انداز جهان مدارانه اسلامی یا جهان وطنی اسلامی است. بدین ترتیب می توان گفت هر یک از شاعران برجسته و سرشناس این عصر بنا به درک و نگرش و اندیشه خود نسبت به محیط پیرامونش تلقی خاصی از «وطن» داشته اند. در این جستار بر آنیم تا با تحلیل و مقایسه مفهوم «وطن» دیدگاه ها و مبانی ذهنی و شاعرانگی هر یک از شاعران برجسته این عصر را به طور جداگانه تبیین، تحلیل و تفسیر نماییم. این امر می تواند کمک شایانی به پژوهشگران ادب معاصر و علاقه مندان به تاریخ عصر مشروطه بکند.

4-1 پیشینه تحقیق

با بررسی و جستجو در منابع مهم و مستند کتابخانه ای، از جمله فرهنگ نامه ها و دایره المعارف ها و فهرست ها (همچون فهرست مقالات فارسی ایرج افشار) و همچنین پایگاه های معتبر اینترنتی از جمله کتابخانه ملی، پژوهشگاه مدارک و اطلاعات علمی ایران (پایگاه پایان نامه ها) و بانک های نشریات و مجلات ایرانی این نتایج حاصل شد:

در زمینه تحقیق مورد نظر چند مقاله مستقل به رشته تحریر درآمده است:

نخستین بار دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی در نشریه «الفبا» دوره اول، مقاله ای تحت عنوان «تلقی قدما از وطن» نوشته اند.

دکتر ناصر نیکو بخت نیز مقاله ای با عنوان «وطن در شعر مشروطه» در نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال چهاردهم، شماره 54 و 55 (1385) نوشته اند.

آقای علی محمد نجاتی مقاله ای با عنوان «ادبیات وطنیه» در تاریخ 22 مرداد 1384 در روزنامه شرق (صص 39-41) نوشته اند.

دو پایان نامه نیز با مشخصات زیر به نگارش درآمده است:

رنجبر، ناصر (1376)، جلوه های وطن در شعر مشروطیت، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
احمدی، امین (1385)، بررسی مفهوم وطن در شعر دوره مشروطه و دوره معاصر، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.

علاوه بر این موارد پژوهش هایی به صورت پراکنده به چاپ رسیده است، اما پژوهشگران آن گونه که بایسته و شایسته است به تبیین و تحلیل مفاهیم «وطن» نپرداخته اند. بنا بر گفته دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی «بررسی شعر مشروطه به لحاظ عواطف میهنی، خود می تواند موضوع کتابی وسیع باشد، زیرا هر شاعری به گونه ای و لحنی ویژه از چشم اندازهای جغرافیایی و تاریخی وطن، سخن رانده است» (شفیعی کدکنی، 1352: 22).

1-5 پرسش ها

- 1- چرا چشم انداز شاعران در عصر مشروطه نسبت به «وطن» تغییر پیدا می کند؟
- 2- آیا می توان دیدگاه هر یک از شاعران عصر مشروطه را نسبت به «وطن» طبقه بندی کرد؟

1-6 فرضیه ها

- 1- نگاه همه شاعران عصر مشروطه نسبت به مفهوم «وطن» یکسان است.
- 2- تفاوت نگرش نسبت به مفهوم «وطن» در شعر شاعران عصر مشروطه با شعر شاعران پیش از آن، بسیار زیاد است.

1-7 نوع تحقیق

نوع تحقیق بر اساس روش های استدلالی و تحلیلی با توجه به مطالعات کتابخانه ای و اسنادی و از طریق فیش برداری بوده است.

8-1 روش تحقیق

نگارنده در نگارش این رساله ابتدا به مطالعه دقیق دیوان شاعران عصر مشروطه و کتاب‌ها و مقالات مرتبط با تاریخ و شعر عصر مشروطه پرداخته و از طریق فیش برداری موارد مورد نظر را گرد آورده است. مرحله بعد تقسیم و طبقه‌بندی یادداشت‌ها بر اساس موضوع بوده است. سعی شده دیدگاه هر شاعر به صورت مستقل تحلیل و تبیین شود تا از این طریق هم درک و دریافت صحیح‌تری نسبت به مفهوم «وطن» حاصل شود و هم تفاوت‌ها و شباهت‌های وطنی‌های هر شاعر در مقایسه با دیگر شاعران بهتر نمایان شود. نگارنده همچنین در ترسیم بینش وطن‌آرمانی بیشتر شاعران این جستار، از اشکال و نمودارها بهره‌جسته است.

فصل دوم

وطن و بازتاب آن در شعر و ادب فارسی

از دم حبّ الوطن بگذر مه ایست
که وطن آنسو ست جان این سوی نیست
گر وطن خواهی گذر آن سوی شط
این حدیث راست را کم خوان غلط
(مولوی، 1373، ج: 2، 435)

2-1- تحلیل مفهوم «وطن» از قدیم ترین ایام تا عصر مشروطه

«وطن» در معنای عام آن به معنی «جای اقامت، مقام، مسکن، میهن و نشیمن است. سرزمینی است که شخص در یکی از نواحی آن متولد شده و نشو و نما کرده باشد» (دهخدا، 1386، ج: 2؛ ذیل واژه وطن). این واژه در ایران پیش از اسلام بسیار حائز اهمیت بوده است، چنانکه بنا بر نظر ذبیح الله صفا «تمام اساطیر دینی و ملی ایرانیان باستان به ایران و آریا وابسته است. آیین‌های کهن، هر ایرانی را به سرزمین ایران دوخته است، یعنی سعادت او در آبادی و رونق سرزمین اهورایی ایران است و در غیر این صورت، او به اهریمن یآوری کرده و فرستادگانش را نیروی قهر و غلبه بخشیده است» (صفا، 1376: 23-24). «از میان رفتن حاکمیت سیاسی ساسانیان و در پی آن استقلال طلبی مناطق مختلفی از ایرانشهر و گسسته شدن پیوندهای جغرافیایی، نیز در شکل‌گیری مفهوم زادگاه از وطن مؤثر بوده است» (ایزد پناه، 1380: 41). پس از اسلام نیز وطن به دلیل رویدادهای مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند و مفاهیم خاصی را در بر می‌گیرد. به عنوان مثال با ظهور اسلام مفهوم وحدت و اتحاد همگانی در راستای حفظ وطن اسلامی، در میان مسلمانان مطرح می‌شود. نخستین و در عین حال بارزترین جلوه‌های وطن در شعر فارسی را می‌توان در شاهنامه فردوسی جستجو کرد. این اثر ارزشمند سراسر داستان توفیق ایرانیان در دفاع از وطن است؛ به تعبیر دکتر شفیعی کدکنی نخستین جلوه قومیت و یاد وطن در شعر پارسی، تصویری است که از ایران و وطن ایرانی در شاهنامه به چشم می‌خورد. در این حماسه بزرگ نژاد ایرانی

که از آغاز تا انجام گزارش گیر و دارهای قوم ایرانی با اقوام همسایه و مهاجم است، جای جای، از مفهوم وطن، ایران، شهر ایران، ایرانشهر یاد شده است و فردوسی خود ستایشگر این مفهوم در سراسر کتاب است و این برگ هایی است از آن باغ پردرخت:

زن و کودک خرد و فرزند خویش	ز بهر بر و بوم و پیوند خویش
از آن به که کشور به دشمن دهیم	همه سر به سر تن به کشتن دهیم
کنام پلنگان و شیران شود	دریغ است ایران که ویران شود
نشستنگه نامداران بدی	همه جای جنگی سواران بدی

(رک شفیعی کدکنی، 1352: 2)

بی سبب نیست که پس از گذشت جنگ جهانی اول و دوره پراشوب مشروطه، شاهنامه یکی از متونی می شود که بیشترین توجه را به خود جلب می کند و بنیاد پژوهش های شاهنامه شناسی بنا می شود؛ چرا که مایه های تراژیک و دفاع از قومیت ایرانی و حفظ حدود و ثغور سرزمین ایران و ایستادگی در برابر نفوذ بیگانگان در آن به بهترین شکل متبلور شده است، با این تفاوت که جنس مفاهیم وطن خواهی در شاهنامه به جهات تاریخی و جغرافیایی با آنچه که در دوره مشروطه وجود دارد، اندکی متفاوت است. حتی نوع نگرش و حافظه تاریخی ایرانیان عهد مشروطه نسبت به زمان شاهنامه تفاوت عمده ای کرده است. «در برابر اندیشه قومیت و وطن پرستی بارزی که شعوبیه و به ویژه متفکران ایرانی قرن سوم و چهارم داشته اند تصویر دیگری از مفهوم وطن به وجود آمد که نتیجه برخورد با فرهنگ و تعالیم اسلامی بود. اسلام که بر اساس برادری جهانی، همه اقوام و شعوب را یکسان و در یک سطح شناخت، اندیشه هایی را که بر محور وطن در مفهوم قومی آن بود را تا حد زیادی تعدیل کرد و مفهوم تازه ای به عنوان «وطن اسلامی» به وجود آورد که در طول زمان گسترش یافت و با تحولات سیاسی و اجتماعی در پاره های مختلف امپراتوری اسلامی جلوه های گوناگون یافت. این برداشت از مفهوم وطن در شعر فارسی نیز خود جلوه هایی داشته که در شعر شاعران قرن پنجم به بعد، به خصوص در گیر و دار حمله تاتار و اقوام مهاجم ترک، تصاویر متعددی از آن می توان مشاهده کرد. از وطن اسلامی که در معرض تهاجم کفار قرار دارد، در شعر شاعران سخن بسیار می رود و گاه ترکیبی از مفهوم وطن اسلامی و وطن قومی در شعر شاعران این عهده مشاهده می شود» (همان: 5)

به غیر از فردوسی جلوه های شاخص وطن دوستی را می توان در گرشاسب نامه اسدی توسی، اشعار فرخی سیستانی، امیر معزی، انوری، خاقانی، مولوی، سعدی، حافظ، صائب و دیگر شاعران جستجو کرد. هر یک از این شاعران با توجه به سبک و دوره شعری، فضای اجتماعی و سیاسی زمانه و برداشت و تلقی شخصی خود، مفهوم

خاصی از وطن را به تصویر کشیده اند که تحلیل و تبیین آن خارج از این بحث است. به عنوان نمونه باید گفت انوری ترکیبی از وطن اسلامی و قومی را در هم می‌آمیزد و به دفاع از سرزمین خود در برابر بیداد غزان می‌ایستد. امیر معزی چندین جای به صراحت تمام، فردوسی را که در حقیقت نماینده اساطیر و قومیت ایرانی است به طعن و طنز و زشتی یاد می‌کرده و از اینکه چندین دروغ درهم و بیهوده گفته، به سرزنش وی پرداخته است. خاقانی شروانی از زادگاه خود به نیکی یاد می‌کند و در برابر کسانی که شروان را به شر (بدی) منسوب کرده اند به دفاع بر می‌خیزد، گاه نیز غربت را از وطن برتر یافته و ترجیح داده که چون جغد در ویرانه‌های وطن ساکن نشود. سعدی پس از سالها سیر و سفر عاقبت تولای مردان پاک بوم سرزمینش یعنی شیراز سبب می‌شود تا به دیار خویش باز گردد، گاه نیز جلوه‌های زیبایی شناسانه وطن را به نمایش می‌گذارد. حافظ هم دلبسته شیراز، آب رکن آباد و باد خوش و نسیم سحری آن بوده و وضع بی‌مثال آن دیار را به «خال رخ هفت کشور» تشبیه کرده است. صائب تبریزی هم اگرچه در دلش شکوه از وطن داشته، اما در هندوستان نیز به یاد شکرخنده صبح وطن بوده و آرزوی منزل کردن در سواد اصفهان را داشته است. وی از جمله شاعرانی است که «وطن» در شعرش بیش از دیگران بسامد داشته است. دیگر شاعران سبک هندی نیز جنبه‌های نوستالژیک¹ و رمانتیک² را بیشتر مد نظر داشته اند. تنها بحث درباره یکی از مقولات وطن یعنی «حبّ وطن» در شعر شاعران از گذشته تا امروز خود می‌تواند موضوع رساله ای جداگانه باشد. به این نمونه‌ها توجه کنید:

سعدیا حبّ وطن گرچه حدیثی است صحیح	نتوان مُرد به سختی که من اینجا زادم
(سعدی، 1379:435)	
همچنین حبّ الوطن باشد درست	تو وطن بشناس ای خواجه نخست
	(مولوی، 1373، ج 2:435)
دایم از حضرت آن دوست سخن خواهم گفت	چون نگویم؟ سخن از حبّ وطن می‌گویم
	(قاسم انوار، 1337:382)
میان جان من و چین جعد مشکینت	تعلقی است حقیقی به حکم حبّ وطن
	(خواجوی کرمانی، 1381:222)
میخانه نشینیم نه از باده پرستی است	از دل نتوان کرد برون حبّ وطن را
	(کلیم کاشانی، 1336:34)

¹ .nostalgic

² .romantic

- خاک پایت دوست دارد روی من نیست عیب ای دوستان حبّ الوطن
(خجندی، 1337:350)
- صائب کجا رویم که هر جا که می رویم از سر هوای حبّ وطن و نمی شود
(صائب تبریزی، 1387، ج 3: 393)
- گر کنم یاد ز بتخانه مرا عیب مکن هر که را حبّ وطن نیست مسلمانی نیست
(نظیری نیشابوری، 1389:66)
- به این دل الفتی دارد نهانی که از حبّ الوطن دارد نشانی
(وحشی بافقی، 1342:500)
- این دل دریا دل ما عزم دریا می کند دارد او حبّ وطن میلی به ما و می کند
(نعمت الله ولی، 1362:97)

علاوه بر این موارد که به صورت اجمال بیان شد می توان به نکات دیگری که در نوع نگرش به مفهوم وطن حائز اهمیت است، اشاره کرد. نخست آنکه «وجه برجسته مفاهیم وطن در گذشته و در عین حال کمرنگ بودن نقش توده های مردمی است که مظلوف وطن بوده اند. واژگانی چون رعیت، بنده و ... حاکی از انفعال توده های مردم است نه فعالیت که ویژگی مردم در مفهوم نوین وطن است. اگر در گذشته، تنها خسروان صلاح مملکت خویش را می دانستند و تنها همانان بودند که حق دخالت در آن را داشتند، در دوره مشروطه توده های مردمی هستند که اندیشیدن به مصالح کشور را وظیفه خود می دانند و سرنوشت خویش را در گرو آن می دانند» (نیکوبخت، 1385:138).

دودیدگر تلقی عرفا از وطن به اعتبار انسان شناسی دینی و عرفانیست که بسیار جالب و درخور توجه است. عین القضاة همدانی، نجم الدین رازی، شهاب الدین سهروردی، مولوی و دیگر عرفا جلوه های وطن را بیشتر در اتصال به عالم علوی و جهان برین دانسته اند. تعابیری همچون شهر کلان، ناکجا آباد، عالم قدس، کوی دوست، کنگره عرش، فردوس برین، باغ ملکوت و ... حاکی از همین مفهوم هستند. «صوفیه، که بیشتر متأثر از تعالیم اسلام بودند، وطن به معنی قومی آن را نمی پذیرفتند و حتی روایت معروف «حبّ الوطن من الایمان» را که از حد تواتر هم گذشته بود، تفسیر و توجیهی خاص می کردند که در حوزه تفکرات آنها بسیار عالیست، آنها انسان را از جهانی دیگر می دانستند که چند روزی قفسی ساخته اند از بدنش و باید این قفس تن را بشکند و در هوای وطن مألوف

بال و پر بگشاید و به همین مناسبت می‌کوشیدند که منظور از حدیث حبّ الوطن را، شوق بازگشت به عالم روح و عالم ملکوت بدانند و در این زمینه چه سخنان نغز و شیوایی که از زبان ایشان می‌توان شنید» (شفیعی کدکنی، 1352: 8)

دیگر آنکه برخی تلقی‌ها و برداشت‌ها از مفهوم وطن از گذشته تا حال ادامه داشته و از میان نرفته است. به عنوان مثال وطن در مفهوم اقلیمی آن هم در گذشته و هم در عصر حاضر رواج داشته است. «این خصوصیت را در بعضی از رفتارهای مولانا نیز می‌توان یافت، همان کسی که می‌گفت: «از دم حبّ الوطن بگذر مه ایست» وقتی در آسیای صغیر و سرزمینی که به هر حال از وطن خاکی او به دور بود زندگی می‌کرد و کسی از خراسان به آنجا می‌رفت، نمی‌توانست احساسات همشهری‌گری و خراسانی‌گری خود را نادیده بگیرد» (همان: 10). به همین صورت به عنوان مثال سعدی و حافظ خود را به اقلیم شیراز پیوند داده‌اند، مولانا و بهار با اقلیم خراسان انس و الفت داشته‌اند و صائب و نشاط از اقلیم اصفهان یاد کرده‌اند.

تحلیل وطن از لحاظ دوره‌های تاریخی نیز حائز اهمیت است؛ مثلاً به صورت کلی می‌توان گفت که شاعران عصر سامانی به دلیل بهره‌گیری از اسطوره‌های نژاد ایرانی ارزش و احترام ویژه‌ای برای قومیت و وطن ایرانی قائل بودند، در حالی که در دوره‌های بعد یعنی دوران غزنویان و سلجوقیان نرم‌نرمک از اهمیت این اسطوره‌ها کاسته می‌شود و گاه با نوعی تحقیر و تعریض همراه می‌شود. در دوره‌های مغول و تیموری خصایص وطن قومی و اقلیمی بسیار کمرنگ‌تر می‌شود و به قول دکتر شفیع کدکنی «حتی شاعرانی از نوع سیف‌الدین فرغانی این آب و خاک را که نجس کرده فرمانروایان ساسانی است ناپاک و نانمازی می‌دانند و می‌گویند:

نزد آن کز حدث نفس طهارت کرده است	خاک آن ملک کلوخی ز پی استنجدی است
نزد عاشق گل این خاک نمازی نبود	که نجس کرده پرویز قباد و کسری است

(همان: 7)

به همین صورت موارد دیگری را می‌توان یافت که چشم اندازه‌های پردامنه وطن در آن قابل جستجو و بررسی است.